

محمد کاظم رادمنش

کارشناسی ارشد تاریخ

سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

Mk_radmanesh@yahoo.com

بیمارستان و مدرسه ی پرستاری میسیونری آمریکایی مشهد

چکیده:

ارائه‌ی خدمات پزشکی در اشکال مختلف و به ویژه از طریق تاسیس بیمارستان، یکی از ابزارها و راهکارهایی است که از سوی میسیون مسیحی آمریکا در زمان حضور در ایران، با هدف کسب نفوذ بیشتر در بین ایرانیان، مورد استفاده قرار می‌گرفت.

بیمارستان و مدرسه پرستاری میسیونری آمریکایی مشهد نیز به عنوان یکی از نخستین بیمارستانهای تاسیس شده توسط میسیون آمریکایی، در طول دوران فعالیت خود، به عنوان پوششی برای تکاپوهای تبلیغی و بعضاً سیاسی میسیون، نقش بسیار مؤثری ایفا نمود. در این جستار تلاش خواهد شد ضمن بررسی سیر تاریخیچه این بیمارستان از ابتدای تاسیس تا زمان واگذاری به وزارت بهداشتی و برخی از تکاپوهای میسیون آمریکایی در آن نیز مورد بازخوانی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: مشهد، بیمارستان آمریکایی، میسیون، مدرسه پرستاری، آسایشگاه بیماران

جدامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در بررسی تاریخ روابط ایران و آمریکا نکته‌ای که بسیار خودنمایی می‌کند، نقش مسیون‌های مسیحی است. این مسیون‌ها با اقدامات و فعالیت‌های متنوع خود که اغلب در قالب امور عام-المنفعه و خیرخواهانه به ظهور می‌پیوست، نه تنها راه نفوذ آمریکا در تمام شئون زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان را برای سیاستمداران آمریکایی روشن می‌نمودند بلکه در برخی موارد با زمینه‌چینی‌های خود مسیر را برای آنان هموار می‌کردند. احداث بیمارستان و مراکز درمانی متعدد در نقاط مختلف ایران زمین، از جمله عرصه‌هایی است که مسیون مسیحی آمریکایی بسیار مجدانه در آن ورود یافتند. «بیمارستان و مدرسه‌ی پرستاری میسیونری مسیحی آمریکایی» مشهد نیز یکی از این موارد به شمار می‌آید.

تا آنجا که جستجو شد تاکنون در خصوص پیشینه‌ی این بیمارستان و اقداماتی که توسط مسیون آمریکایی تحت پوشش امور پزشکی در مشهد انجام می‌شد، هیچ پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. تنها برخی منابع به صورت گذرا و در کنار گزارش تکاپوهای آمریکاییان در زمینه‌های مختلف، به این بیمارستان نیز اشاره نموده‌اند. از این روی در این مقاله تلاش خواهد شد از منظری جدید ضمن بازخوانی پیشینه و سیر گسترش این بیمارستان، برخی از اهداف و برنامه‌هایی که توسط مسیون آمریکایی تحت پوشش امور پزشکی در مشهد صورت می‌بسته است نیز بیان گردد.

پیشینه ی تاریخی

بررسی های موجود مبین این مسئله می باشد که نخستین رویارویی و تماس بین ایرانیان و آمریکاییان در عرصه ی تجارت و در قرن دوازدهم هجری خورشیدی / اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی به وقوع پیوسته است.^۱ اما با توجه به محدود بودن این قبیل ارتباط-ها و نیز محصور شدن آن در حیطه ی روابط اقتصادی غیرمستقیم، در ابتدا به هیچ روی موجبات گسترش و نفوذ فرهنگی آمریکا را در پی نداشته و چندان مورد توجه نبود، از این روی ورود نخستین میسیون های آمریکایی در ایران در سال ۱۲۱۳ هـ. خ / ۱۸۳۴م^۲ به عنوان نقطه عطف در روابط بین ایران و آمریکا از سوی پژوهشگران مد نظر قرار می گیرد.

به عبارت دیگر اگر چه آمریکاییان در بادی امر به دلیل دکترین انزوآگرایی حاکم بر سیاست خارجی این کشور^۳ چندان متمایل به برقراری روابط سیاسی از نوع هم پیمانی سیاسی و یا مشارکت های نظامی نبودند^۴ اما در عرصه ی تعاملات فرهنگی علی رغم تأخیر در شروع، به هیچ روی نسبت به سایر رقبای قدرتمند خود نه تنها عقب نماندند، بلکه در مقاطعی حتی از آنان پیشی گرفتند. تا آنجا که سیاستمدار مشهور انگلیسی لرد کرزن^۵ به صورت تلویحی به قدرتمندی و برتری میسون های آمریکایی نسبت به همکاران انگلیسی و فرانسوی آنان اذعان می نماید.^۶

به گزارش منابع تاریخی کشیش جاستین پرکینز^۷ و دکتر آساهل گرانت^۸ نخستین افرادی بودند که در قالب میسیون مذهبی اجازه فعالیت در ناحیه ارومیه و در میان آسوریان ساکن در آن منطقه را دریافت داشتند.^۹ این گروه اگر چه در دوران فعالیت خویش اقدامات بسیار جالب توجه و مؤثری از جمله تأسیس کلیسا و مدرسه و کتابخانه و چاپخانه و انتشار روزنامه^{۱۰} و حتی اختراع خط جدیدی برای اقلیت آسوری^{۱۱} را در کارنامه ی خود ثبت نمودند، اما آنچه بیش از هر اقدام دیگری زمینه ساز محبوبیت ایشان در میان آسوریان و نیز شهرت در میان مسلمانان گردید، تکاپوهای سختکوشانه ی آنان در عرصه ی ارائه ی خدمات پزشکی و بهداشتی به مردم بود. بنجامین^{۱۲} نخستین سفیر آمریکا در ایران نیز، در بررسی اجمالی خود از عملکرد میسیونرهای مسیحی آمریکا بر این نکته تأکید می نماید:

^۱ L. G. Curzon

^۲ Jastin perkins

^۳ Asahes Gerant

^۴ Samuel Green Wheeler Benjamin

«باید دانست که یک جهت عمده پیشرفت امر میسونرهای آمریکایی در ایران، امری است که هیچ دخلی به مطالب مذهبی ندارد و آن، امر اطبای میسیونرها است. ممکن است که جمعی هیچ میل نداشته باشند که اصول و عقاید مذهب خارجه را یاد بگیرند، و جز دین خود از دین دیگر، اطلاعی به هم رسانند، اما همان اشخاص ممکن است روزی محتاج طیب شوند.»^۹

بنجامین در ادامه خطاب به میسیونرها با زیرکی و فراست خاص یک سیاستمدار یادآوری می‌کند که:

«اگر طیب، شخص قابل و خوشرفتار و ملایم باشد نفوذ شخصی زیادی به هم میرساند، و نتیجه این نفوذ، کم کم، به آنجا می‌کشد که مردم از ضدیت با میسیونرها منصرف میشوند؛ و به تدریج، امتیازات زیاد میتوان از این راه، از گماشتگان دولت به دست آورد.»^{۱۰}

بی‌تردید همراهی دکتر آسهل گرانت با کشیش پرکینز در راستای همین سیاست بوده است. زیرا دست‌اندرکاران اعزام میسیونهای مذهبی به نیکی دریافته بودند که با عنایت به «پایین بودن سطح بهداشت عمومی در ایران و شیوع بیماریهای واگیر و مرگ و میرهای ناشی از این بیماریها»^{۱۱} ارائه‌ی خدمات پزشکی به میزان قابل توجهی تسهیل کننده‌ی تلاش‌های آنها برای نفوذ در ایران خواهد بود. خاصه آنکه تقریباً همزمان با ورود میسیون آمریکایی به میان آسوریان منطقه‌ی ارومیه، بیماری وبا نزدیک به نیمی از جمعیت آسوریان ساکن در ارومیه را از بین برده بود.^{۱۲}

در این میان شخصیت و منش درخور تحسین نخستین پزشکان میسیون چون دکتر گرانت و یا دکتر رایت نیز در اثربخشی بیشتر اقداماتشان قابل تأمل است.^{۱۳} زیرا در عین حال که این پزشکان با فداکاری و ایثارگری خاصی به تکاپو و تلاش برای بهبود وضعیت بهداشتی و نیز درمان بیماران مشغول بودند؛ تا بدانجا که در برخی موارد جان خود را نیز در این راه از دست

^۹ Dr. A. Wright

می‌دادند؛^{۱۴} نوعی تضاد در نوع نگاه غالب بر میسیونرها نسبت به مسلمانان وجود داشت که در برخی موارد نیز به شکل ناپسندی بروز می‌یافت:

«رفتار آنها [میسیونرها] نسبت به اکثریت مسلمان اهانت‌آمیز و فرمانروایانه بود. حتی کشیش جاستین پرکینز ... که مردی متعهد و متشخص بود، و خود را با زندگی روزمره و آداب و رسوم آسوریهای نسطوری که در میانشان می‌زیست کاملاً وفق داده بود، از کسانی که «محمدیان وحشی» می‌نامید، منزجر بود.^{۱۵}»

به تدریج با گسترش دامنه‌ی فعالیت میسیون‌های مذهبی در میان آسوری‌ها و کردهای ساکن در نواحی آذربایجان و موصل و نیز افزایش شهرت پزشکان میسیون و به تبع آن ازدیاد مراجعات مردم به منظور درمان بیماریها به این پزشکان، نیاز به در اختیار داشتن فضایی کافی و دارای امکانات لازم برای بستری نمودن بیماران و نیز انجام اعمال جراحی احساس شد.^{۱۶} به این ترتیب به پیشنهاد دکتر جوزف پ. کاکران، میسیون آمریکایی مستقر در ارومیه با اتکا به حمایت‌های مالی که از سوی هیئت مرکزی میسیون‌های خارجی نیویورک دریافت می‌کرد، اقدام به احداث نخستین بیمارستان میسیون به سال ۱۲۶۱ هـ. خ ۱۸۸۲م در ارومیه نمود.^{۱۷} این بیمارستان که می‌توان آن را «نخستین بیمارستان مدرن و مجهز ایران دانست به نام وست مینستر» معروف گردید.^{۱۸} بی‌تردید ایجاد چنین تأسیساتی و ارائه‌ی خدمات پزشکی به شیوه‌ی جدید و متفاوت و مؤثرتر از آنچه تا آن زمان در ایران رایج بود، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری دیدگاه مثبت ایرانیان نسبت به فعالیت‌های میسیون آمریکایی داشت. میسیون‌ها نیز با بهره‌برداری از این امر، همواره در پی بهره‌برداری تبلیغی به نفع اهداف میسیون مسیحی بودند.

تجربه‌ی موفق تأسیس بیمارستان آمریکایی در ارومیه، میسیون مسیحی را تحریص به انجام اقدام مشابه در دیگر شهرهای ایران نمود که به عنوان نمونه می‌توان به احداث بیمارستان آمریکایی در رشت^{۱۹} و تبریز و همدان و نیز احداث چهار بیمارستان سیار در تهران به ویژه در

ⁱ Joseph P. Cochran
ⁱⁱ West Minster

بجوبه‌ی بروز حوادث ناگوار و بیماری‌های همه‌گیر^{۲۰} اشاره نمود. تأسیس بیمارستان میسیون آمریکایی در مشهد نیز در راستای همین تلاش پیگیر میسیون آمریکایی به منظور نفوذ هر چه بیشتر در بین مردم ایران و به تبع آن ترویج و تبلیغ کیش مسیح از راه ارشاد معنوی در کنار ارائه خدمات پزشکی بود.^{۲۱} در ادامه‌ی این جستار تلاش خواهد شد، سیر تاریخی روند تأسیس بیمارستان آمریکایی در مشهد و برخی از تکاپوهای صورت‌گرفته توسط میسیون آمریکایی در قالب ارائه‌ی خدمات پزشکی مورد بررسی قرارگیرد.

نخستین حضور آمریکاییان در مشهد

فعالیت‌های پزشکی میسیون آمریکایی در مشهد را باید در پیوند با تلاش‌های تبلیغی و تبشیری میسیون آمریکایی در دیگر نقاط ایران ارزیابی نمود. زیرا مشهد به عنوان یکی از مراکز جمعیتی مهم ایران از دیرباز مورد توجه میسیون‌های مذهبی بوده است. به گونه‌ای که در برنامه‌ریزی‌های تبلیغی میسیون‌ها، توجه به مشهد و امکان‌سنجی حضور در این شهر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. از همین روی همواره در گزارش‌هایی که از سوی میسیون‌ها در خصوص شرایط و عرصه‌های موجود برای تبلیغ در مشهد تهیه می‌شد، از زمینه‌ی مساعد فعالیت میسیون‌ها در مشهد یاد می‌گردید. این مسئله همچنانکه برخی پژوهشگران متذکر شده‌اند با توجه به اینکه مشهد شهری مذهبی و یکی از زیارتگاه‌های مورد توجه شیعیان می‌باشد، جالب توجه است.^{۲۲}

در ریشه‌یابی این تناقض ظاهری باید به نکاتی چند توجه داشت. نخست آنکه مشهد به دلیل اینکه مهمترین مرکز جمعیتی شمال شرق کشور به شمار می‌آمد و نیز با توجه به نفوذ بسیار زیاد امپراتوری روسیه تزاری در مناطق شمالی ایران^{۲۳}، از یک سو می‌توانست پایگاه مناسبی برای تبلیغ آیین مسیحیت و از دیگر سو محل مناسبی برای زیر نظر گرفتن فعالیت روسها در نواحی شمال شرقی ایران باشد. دوم آنکه حضور اقلیت یهودی شهر که علی‌رغم تظاهر به اسلام، سالها دین واقعی خود را مخفی کرده بودند^{۲۴}، میسیون‌ها را برای حضور و تبلیغ در بین آنها تحریک می‌کرد.

به هر روی نخستین بار در سال ۱۲۵۷هـ. خ/ ۱۸۷۸م جیمز باست^۱ که تجربه‌ی موفق تأسیس میسیون آمریکایی در تهران را در کارنامه‌ی حرفه‌ای خود داشت راهی مشهد شد تا

^۱ James Bassett

ضمن امکان‌سنجی حضور میسیون در این شهر، به مأموریت خویش در خصوص ترجمه‌ی انجیل متی به لهجه‌ی تگه‌ها که قبیله‌ایی از ترکمنان ساکن شمال خراسان بودند عمل کند.^{۲۵} باست در مدت حضور دو ماهه‌ی خود در مشهد، شرایط را برای ادامه‌ی فعالیت میسیون بسیار مناسب ارزیابی نمود.

دومین میسیونر آمریکایی که عازم مشهد گردید، لوییس اسلستین^۱ نام داشت که در سال ۱۲۷۴هـ. خ / ۱۸۹۵م وارد مشهد شد و پس از مدت کوتاهی ناچار به ترک شهر گردید. علت این خروج ناگهانی وی چندان معلوم نیست ظاهراً در اثر تغییر شرایط و واکنش تند مردم شهر، ناچار به این امر شده است.^{۲۶} اما اسلستین بار دیگر به سال ۱۲۹۰هـ. خ / ۱۹۱۱م به مشهد بازگشت و از آن پس تا پایان عمر در آن شهر باقی ماند.^{۲۷} با پیوستن دکتر جوزف کوک^۲ و همسرش در سال ۱۲۹۴هـ. خ / ۱۹۱۵م دوران تنهایی چهارساله‌ی اسلستین در مشهد پایان یافت و از این پس با ارائه‌ی خدمات پزشکی توسط دکتر کوک، دامنه‌ی تکاپوهای میسیون آمریکایی در مشهد گسترش یافت.^{۲۸} و به همت دکتر کوک، نخستین مرکز درمانی میسیون آمریکایی در مشهد پایه‌گذاری شد. این مرکز درمانی که در واقع درمانگاهی کوچک و محقر بود در یکی از محلات قدیمی مشهد به نام کوچه‌ی ارگ دایر گردید.^{۲۹} در این بین دکتر کوک تنها پس از گذشت یکسال حضور در مشهد به دلیل ابتلا به بیماری سل ناچار به ترک مشهد و عزیمت به آمریکا برای درمان خویش شد^{۳۰} و دکتر هوفمان^{۳۱} موقتاً جانشین وی گردید.

یکی از خدماتی که در این مقطع توسط میسیون آمریکایی و در محل درمانگاه ارائه می‌شد، کمک به نیازمندان و اطعام فقرا بود. با توجه به شرایط حاکم بر آن زمان مشهد، از جمله بروز قحطی و نیز شیوع بیماری‌های همه‌گیر که ناشی از شرایط نامطلوب بهداشتی آن دوره بود و در اثر بروز جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط متفقین^{۳۲} تشدید می‌شد؛^{۳۳} رسیدگی به فقرا و نیازمندان و تلاش در راه تسکین آلام آنان می‌توانست اقدام بسیار مؤثری در زمینه‌ی جلب نظر مردم مسلمان نسبت به میسیون مسیحی آمریکایی باشد. از این روی و در تعقیب همین سیاست، اسلستین دست به کار شده، ترتیبی اتخاذ نمود تا:

«دیگ‌های بزرگی را در بنای بیمارستان [درمانگاه] کار گذاشتند. هر روز بهر یک از نیازمندان، یک سوپ با مقداری

^۱ Lewis F. Esselstyn

^۲ Dr. Joseph Cook

^۳ Dr. Hoffman

نان داده میشد. بتدریج بر عده محتاجان افزوده میگشت. یک موقع قریب هزارنفر در محوطه بیمارستان آمریکایی غذا میخوردند. چندی بعد، بر اثر کثرت مردم درمانده، چون محوطه بیمارستان گنجایش آنان را نداشت. میسیون باتفاق قنصلگری انگلیس کاروانسرای اجاره کرد، که در آن روزانه هزار و چهارصد نفر اطعام میشدند.^{۳۴}

نکته‌ی جالب توجه اینکه علی‌رغم حمایت مالی قابل توجهی که میسیون آمریکایی ایران از آن برخوردار بود، در این مقطع اسلستین به منظور تأمین نیازهای مالی برنامه‌ها و اقدامات خود، ناچار به استعانت‌طلبیدن از ثروتمندان ایرانی و در برخی موارد خارجیان دارای تمکن مالی گردید.^{۳۵}

در سال ۱۲۹۸هـ.خ / ۱۹۱۹م مرکز درمانی میسیون آمریکایی به کوچه باغ عنبر انتقال یافت^{۳۶} که در مقایسه با محل قبلی به مرکز شهر نزدیکتر بود و دکتر لیکوارت سرپرستی آنرا عهده‌دار گردید.^{۳۷} و در نهایت نیز به سال ۱۳۰۳هـ.خ / ۱۹۲۴م با خرید «زمین مناسبی در انتهای کوچه پانچار در حومه شمالی مشهد^{۳۸}» بیمارستان آمریکایی تأسیس شد. این بیمارستان دارای ۵۶ تختخواب^{۳۹} و نسبت به دو بیمارستان دیگر مشهد یعنی دارالشفاء حضرتی و بیمارستان منتصریه بزرگتر و مجهزتر بود.^{۴۰} به‌ویژه حضور کادر پزشکی مجرب که عموماً آمریکایی بودند، امتیاز ویژه‌ای برای بیمارستان به شمار می‌آمد.^{۴۱} هرچند اسم کامل آن که عبارت بود از «بیمارستان و مدرسه‌ی پرستاری میسیونری مسیحی آمریکایی»^{۴۲} در متن کاشی‌کاریهای سر درب آن، در زمینه‌ی آبی و به خط فارسی و انگلیسی نوشته شده بود؛ اما در بین مردم با نام «مریض‌خانه ینگی دنیا^{۴۳}» و یا «بیمارستان مسیحی آمریکایی»^{۴۴} شناخته می‌شد. جالب اینکه هم‌اکنون هم پس از گذشت قریب به نیم قرن از تعطیلی این بیمارستان و تغییر کاربری‌های متعدد آن در این مدت، محل آن همچنان در بین اهالی قدیمی مشهد به نام بیمارستان آمریکایی مشهور است.

اگر چه بیمارستان آمریکایی هنگام تأسیس در کنار خندق و باروی شمال شرقی شهر واقع شده بود^{۴۵} و در مقایسه با محل‌های قبلی خویش تا حدودی از مرکز عمده‌ی جمعیت دور

^۱ Dr. Lichtwardt

^۲ American Christian Missionary Hospital and Nursing School

افتاده و در کنار باغ ها و مزارع شهر احداث گردید.^{۴۶} اما به دلیل وسعت مناسبی که زمین و باغ باغ محل احداث آن داشت، امکان ساخت تأسیسات مورد نیاز یک بیمارستان بزرگ و مجهز در آن زمان را فراهم می نمود.

محل احداث بیمارستان باغی بزرگ و زیبا در حدود ۱۳۰ هزار متر مربع^{۴۷} بود که به دو قسمت تقسیم می شد. در یک بخش تأسیسات و ساختمان های مرتبط با بیمارستان و در طرف دیگر عمارت های مسکونی ویژه ی کارکنان و پزشکان آمریکایی آن قرار داشت. بخش مسکونی کلیسایی کوچک که با علامت صلیب در نوک شیروانی آن از سایر بناها متمایز می شد را در خود جای داده بود.

ساختمان اصلی بیمارستان بنایی دو طبقه بود که حدود «چهار پله از زمین باغ بالاتر بود.»^{۴۸} در طبقه ی همکف یک سالن اجتماعات نسبتاً بزرگ و درمانگاه برای اموری نظیر معاینه و پانسمان و داروخانه و رختشورخانه و همچنین حسابداری وجود داشت.^{۴۹} طبقه فوقانی بنا نیز مختص بستری نمودن بیماران در دو بخش زنان و بخش مردان و کودکان به دو شیوه ی اتاق-های عمومی و اتاق های خصوصی بود.^{۵۰} از آنجا که بیمارستان مجهز به موتور برق اختصاصی بود، تمام ساختمان ها و منازل مسکونی و خیابان های داخلی باغ به وسیله ی چراغ برق روشن می گردید.^{۵۱}

شیوه برخورد بسیار انسانی کارکنان بیمارستان اعم از کادر پزشکان و پرستاران و ... با بیماران یکی از عوامل بسیار مؤثر در جلب نظر مردم مشهد نسبت به فعالیت های بیمارستان آمریکایی بود. به گونه ای که مردم از اطراف و اکناف مشهد جهت معالجه به این بیمارستان مراجعه می کردند.^{۵۲} به ویژه در برخورد با بیماران نیازمند، کم بضاعت، رعایت شرایط بیمار به صورت ویژه مورد نظر قرار می گرفت.^{۵۳}

نیروی انسانی مورد نیاز بیمارستان به دو گونه تأمین می شد. نخست پزشکان و کادر مجرب پرستاری که عموماً آمریکایی بوده و از طرف میسیون آمریکایی به این محل اعزام می شدند.^{۵۴} پزشکان مجرب و حاذقی چون دکتر کاکران، دکتر هوفمان، دکتر لیکوارت و ... در زمره ی این گروه بودند که در برخی مواقع به صورت مأموریت موقت به محل اعزام می شدند و پس از مدتی به نقطه ی دیگری می رفتند. نمونه ی بارز این پزشکان دکتر جوزف کوک می باشد که در

مدت حضور خود در ایران به شهرهای مشهد، تهران، همدان، خرم‌آباد و ... سفر نموده و در هر شهر مدتی به انجام خدمات پزشکی از طرف میسیون آمریکایی مشغول بوده است.^{۵۵} اما در بخش‌های خدماتی چون نگهداری، رختشورخانه و ... از نیروهای بومی استفاده می‌گردید.^{۵۶} بر اساس گزارش‌های موجود، افرادی از اقلیت‌های دینی چون آرامنه به خدمت در بیمارستان آمریکایی مشغول بودند.^{۵۷} اما در خصوص جذب نیروهای مورد نیاز از بین سکنه‌ی شهر تفاوتی بین مسلمانان و غیر مسلمانان قائل نمی‌شدند. چه‌بسا با عنایت به اهداف فرهنگی و مذهبی که در پس اقدامات پزشکی بیمارستان وجود داشت، استخدام مسلمانان به منظور جذب آنان به مسیحیت بیشتر مورد توجه بوده باشد.

اگر چه در ابتدای امر و با توجه به شرایط آن زمان کلیه‌ی پزشکان و پرستاران و به عبارت دیگر کادر علمی بیمارستان از بین آمریکاییان انتخاب می‌شدند. اما به تدریج و در راستای برنامه‌های آموزشی میسیون آمریکایی جهت تربیت پزشکان و پرستاران مجرب از بین ایرانیان^{۵۸}، با برگزاری کلاس‌های آموزش پرستاری و تربیت پرستاران مجرب و نیز اعزام آنان به خارج کشور برای تحصیل در دوره‌های تخصصی^{۵۹} بخشی از نیاز بیمارستان در این زمینه مرتفع گردید. به گونه‌ای که در سال‌های بعد نه تنها بخشی از نیروهای مورد نیاز در بخش‌های پزشکی و پرستاری از بین ایرانیان تحصیل‌کرده تأمین می‌شد، بلکه در بخش آموزش نیز پرستاران و پزشکان حاذق ایرانی حضور داشتند.^{۶۰}

بودجه‌ی بیمارستان به دو شیوه تأمین می‌شد. بخش عمده‌ی هزینه‌ها از طریق کمک‌های مالی میسیون آمریکایی در ایران کارسازی می‌گردید. از جمله هزینه‌ی خرید زمین و باغ محل احداث بیمارستان و همچنین مخارج ساخت تأسیسات بیمارستان از سوی انجمن مذهبی ایالت آیووا^۱ در آمریکا پرداخت شده بود.^{۶۱} بخش دیگر مخارج جاری از طریق دریافت حق ویزیت از بیماران به دست می‌آمد.^{۶۲} البته با توجه به ناچیزبودن وجه ویزیت^{۶۳} و نیز گشاده‌دستی در برخورد با فقرا^{۶۴} این مبلغ چندان قابل توجه نبود. مگر در مواردی که بیمارستان از شخصیت‌های مهم و یا ثروتمندان پذیرایی می‌نمود که در این‌گونه موارد هزینه‌ها به صورت کامل دریافت می‌شد.^{۶۵}

^۱ State of Iowa

یکی دیگر از بخش‌های بیمارستان آمریکایی درمانگاه عمومی آن بود. این درمانگاه در هفته، سه روز اقدام به پذیرش بیماران می‌نمود.^{۶۶} که به دلیل شرایط نامناسب بهداشتی حاکم بر مشهد در آن زمان و شیوع بیماری‌های مختلف در بین مردم به ویژه بیماری‌های پوستی چون کچلی و سالک و ... مراجعان زیادی داشت و در این زمینه از بیمارستان آمریکایی به عنوان یکی از مراکزی که در درمان بیماری‌های پوستی دارای سابقه و کارنامه‌ی درخشانی است یاد می‌شد.^{۶۷}

مدرسه ی پرستاری

همچنانکه پیشتر اشاره شد، ارائه‌ی خدمات آموزشی در زمینه‌ی پزشکی و پرستاری یکی از برنامه‌هایی بود که از سوی پزشکان میسیون آمریکایی از دیرباز و در نقاط مختلف پی‌گیری می‌شد.^{۶۸} بیمارستان مسیحی آمریکایی مشهد نیز در این زمینه فعالیت‌های قابل توجهی داشته است. این نکته را می‌توان در نام کامل بیمارستان که عبارت بود از «بیمارستان و مدرسه‌ی پرستاری میسیونری مسیحی آمریکایی» به وضوح دید.

آموزشگاه پرستاری که به نام «مدرسه‌ی پرستاری میسیون آمریکایی» نامیده می‌شد، در محل باغ بیمارستان آمریکایی دایر بود. این‌گونه به نظر می‌رسد که تأسیس این مدرسه مربوط به زمانی باشد که دکتر کاکران در حدود ۱۳۱۷هـ خ / ۱۹۳۸م پس از دکتر هوفمان به ریاست بیمارستان آمریکایی منصوب شد.^{۶۹} زیرا از یک طرف در منابع هیچ ذکری از وجود چنین محلی پیش از آن دیده نمی‌شود و از دیگر سو دکتر کاکران یکی از افرادی بود که اعتقاد ویژه‌ای به لزوم تربیت و آموزش پزشکان و پرستاران ایرانی داشت.^{۷۰} به‌هرروی این مدرسه نخستین آموزشگاه پرستاری بود که در مشهد تأسیس گردید.^{۷۱}

شیوه‌ی پذیرش داوطلبان در مدرسه‌ی پرستاری میسیون آمریکایی به این ترتیب بود که کلیه‌ی افراد دارای گواهینامه‌ی سیکل اول و یا دوم متوسطه می‌توانستند با مراجعه به محل مدرسه، درخواست خود را ارائه دهند.^{۷۲} خانم ایران برارثانی که خود از دانش‌آموختگان این مدرسه می‌باشد معتقد است تا سال ۱۳۳۷هـ خ / ۱۹۵۸م تنها از بانوان برای تحصیل در دوره‌ی پرستاری ثبت‌نام به عمل می‌آمد و از آن سال به بعد پذیرش از آقایان نیز مورد توجه قرار گرفت.^{۷۳} تنها مسئله‌ای که در هنگام ثبت‌نام از داوطلبان بر آن تأکید می‌شد، سلامت روانی

و جسمی آنان بود که آن هم از طریق مصاحبه، بررسی و تأیید می‌گردید.^{۷۴} دوره‌ی تحصیل در این مدرسه سه‌سال بود و در پایان دوره مدرکی که به دانشجویان اعطا می‌شد از نظر اولیاء بیمارستان برابر کارشناسی تلقی می‌شد اما از طرف دولت ایران تنها پس از گذراندن امتحانات خاص دولتی، چنین مدرکی مورد قبول قرار گرفت.^{۷۵}

اعزام دانشجویان برجسته به خارج کشور برای کسب آموزش‌های تخصصی، یکی دیگر از برنامه‌هایی بود که توسط مدرسه‌ی پرستاری آمریکایی صورت می‌پذیرفت.^{۷۶} البته از آنجا که در قبال این برنامه‌ها هزینه‌ای از دانشجویان دریافت نمی‌شد، به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌گردید که مخارج کمتری برای میسیون دربر داشته باشد. به عنوان مثال دانشجویانی که برای تکمیل آموخته‌های خود به خارج کشور اعزام می‌شدند عموماً در بیمارستان و دانشگاه آمریکایی بیروت (لبنان) دوره‌های لازم را طی می‌کردند.^{۷۷}

یکی دیگر از نکاتی که در خصوص برنامه‌های مدرسه‌ی پرستاری میسیون آمریکایی حایز اهمیت می‌باشد، سلسله اقداماتی است که در بعد فرهنگی و مذهبی و به منظور ترویج ارزشهای غربی در آن چهره می‌بست. به این ترتیب که به غیر از برنامه‌ی دعا و نیایش و موعظه‌ی صبحگاهی که همه‌روزه در محل سالن اجتماعات بیمارستان برگزار می‌شد، مراسمی چون جشن فارغ‌التحصیلی پرستاران نیز در سالگرد تولد فلورانس نایتینگل^۱ پرستار مشهور انگلیسی و بنیانگذار حرفه‌ی پرستاری مدرن، نیز در محل کلیسای بیمارستان منعقد می‌گردید.^{۷۸} در جریان این مراسم، فارغ‌التحصیلان با لباس‌های منظم و مرتب پرستاری به شیوه و مدل غربی آن و در حالی که هر یک شمعی به دست داشتند، گرداگرد سالن برگزاری مراسم می‌گشتند و جشن مختصری نیز برپا می‌نمودند.^{۷۹} بی‌تردید این شیوه‌ی پوشش و حضور در کلیسا برای برگزاری جشن فارغ‌التحصیلی، می‌توانست بر ذهن و ضمیر ناخودآگاه دانشجویان مدرسه که اغلب مسلمان بودند، تأثیرات خاصی داشته باشد.

سرانجام چند سالی پس از تأسیس آموزشگاه عالی پرستاری جرجانی در سال ۱۳۳۷هـ.خ/ ۱۹۵۸م که وابسته به وزارت بهداشتی و نسبت به مدرسه‌ی پرستاری میسیون آمریکایی از امکانات بیشتری برخوردار بود،^{۸۰} مدرسه‌ی پرستاری میسیون آمریکایی نیز تعطیل گردید. البته

(مشهور به بانوی چراغ به دست ۱۱۹۹-۱۲۸۹هـ.خ/ ۱۸۲۰-۱۹۱۰ م) Florence Nightingale^۱

شایان ذکر است که اساتید آموزشگاه عالی پرستاری جرجانی در ابتدای تأسیس، برخی از پرستاران و اساتید و دانش‌آموختگان مدرسه‌ی پرستاری میسیون آمریکایی بودند.^{۸۱}

آسایشگاه درمانی محراب‌خان

یکی دیگر از خدماتی که توسط پزشکان بیمارستان آمریکایی مشهد صورت پذیرفت، اداره‌ی آسایشگاه بیماران جذامی مشهد بود.^{۸۲} اداره‌ی این مرکز درمانی، تقریباً همزمان با تأسیس بیمارستان آمریکایی در سال ۱۳۰۳ هـ خ / ۱۹۲۴ م به میسیون آمریکایی واگذار گردید. این آسایشگاه که در قلعه‌ی محراب‌خان، واقع در سه کیلومتری مشهد (کوی طلاب کنونی) قرار داشت، محل نگهداری و درمان جمعی از بیماران جذامی در آن دوره بود. به روایت شاهدان عینی از جمله دکتر محمد شاهین‌فر^{۸۳} و دکتر محمدتقی رادپور^{۸۴} که هر دو از پزشکان خوشنام و با سابقه‌ی مشهد به شمار می‌آیند و همچنین به گزارش برخی منابع تاریخی موجود^{۸۵} پزشکان میسیون آمریکایی در زمینه‌ی درمان بیماران این مرکز، از هیچ خدمتی فروگذار نمی‌کردند.

«دکتر کاکران این جا جراح و رئیس بیمارستان آمریکایی بود، خودش و خانمش در جزامی خانه شیشه‌ها را پاک می کردند و اینو یک خدمتی می دونستند.»^{۸۶}

بودجه مورد نیاز این مرکز درمانی توسط آستان‌قدس و از محل موقوفات تأمین می‌گردید. البته «میسیون آمریکایی نیز علاوه بر حوائج پزشکی، سالی هزاردولار به بودجه آن کمک» می‌کرد.^{۸۷}

براساس اسناد موجود، در کنار سایر فعالیتهای پزشکی که در بیمارستان آمریکایی صورت می‌گرفت، میسیون آمریکایی در زمینه‌ی تهیه و ارسال برخی از اقلام بهداشتی مورد نیاز با بیمارستان‌های مشهد همکاری داشته است.^{۸۸} اهمیت این نکته زمانی بهتر درک می‌شود که در بررسی گزارش‌های موجود مربوط به دوران بعد از واگذاری بیمارستان آمریکایی به بهداشتی دولتی ایران در سال ۱۳۳۹ هـ خ / ۱۹۶۰ م، برخی شکایت‌ها در خصوص کمبود امکانات و نیز عدم ارائه‌ی خدمات صحیح توسط مسئولین بیمارستان، در نشریات مشهد دیده می‌شود.^{۸۹} البته به نظر می‌رسد که برخی اغراض سیاسی نیز در این امر دخیل بوده‌اند، زیرا پس از تأسیس

بیمارستان شاهرضا در مشهد به سال ۱۳۱۳هـ. خ / ۱۹۳۴م^{۹۰} (دهسال پس از بیمارستان آمریکایی) که مجهزترین و مدرن‌ترین مرکز درمانی استان خراسان به ویژه در زمینه‌ی اعمال جراحی به شمار می‌آمد و منتسب به حکومت پهلوی نیز بود، نوعی رقابت بین این دو بیمارستان به صورت نامحسوس وجود داشت که جلوه‌هایی از آن را می‌توان در نشریات آن زمان و در قالب انتشار اخباری تبلیغی و با جهت‌گیری به نفع بیمارستان شاهرضا مشاهده نمود.^{۹۱} حال آنکه به شهادت ایران برارثانی که یکی از محصلین مدرسه‌ی پرستاری میسیون آمریکایی و از اساتید و مدیران مدرسه‌ی پرستاری جرجانی که وابسته به وزارت بهداشتی و در محل بیمارستان شاهرضا بود، کیفیت و شیوه‌ی ارائه خدمات در بیمارستان آمریکایی به‌ویژه از نظر پرستاری و نیز نظم و انضباط حاکم بر سیستم مدیریتی آن در مقایسه با بیمارستان شاهرضا که آن هم توسط پزشکان خارجی اداره می‌شد^{۹۲}، برتر بوده است. به گونه‌ای که شاگردان مدرسه‌ی پرستاری جرجانی برای طی دوره‌ی کارآموزی و آشنایی با سیستم منظم و مرتب آن به بیمارستان آمریکایی فرستاده می‌شدند.^{۹۳}

به‌رروی به تدریج با افزایش هزینه‌ها و عدم تکافوی بودجه‌ی میسیون^{۹۴}، بیمارستان آمریکایی در سال ۱۳۳۹هـ. خ / ۱۹۶۰م تعطیل و اداره‌ی آن از سوی میسیون آمریکایی به وزارت بهداشتی ایران واگذار گردید. البته این احتمال نیز وجود دارد که با گسترش فعالیت‌های اداره‌ی اصل چهار آمریکا در مشهد^{۹۵}، از سوی میسیون نیازی به ادامه فعالیت بیمارستان احساس نمی‌شده است. از این تاریخ به بعد کلیه‌ی خدمات درمانی در این بیمارستان تحت نظر وزارت بهداشتی ارائه می‌گردید. اما ظاهراً محدود به خدمات پزشکی عمومی بوده است.^{۹۶}

تکاپوهای تبلیغی و تبشیری بیمارستان آمریکایی

میسیون آمریکایی در کنار تمام خدمات درمانی که در بیمارستان آمریکایی ارائه می‌گردید، از توجه به تبلیغ و تبشیر و ترویج کیش مسیحیت در بین مردم مسلمان مشهد به هیچ روی غفلت نمی‌نمود. به گونه‌ای که هر هفته، یکشنبه‌ها در محل سالن اجتماعات بیمارستان، مجلس وعظ و خطابه‌ای توسط کشیش کلیسای بیمارستان برگزار می‌گردید و گویا در ابتدا، کلیه‌ی کارکنان ملزم به حضور در آن بودند^{۹۷} اما بعدها به تدریج این الزام تبدیل به دلخواه شده

است^{۹۸} در مقابل، هیچ منعی هم در خصوص حضور مسلمانان در این مجالس نبود، چه بسا از حضور آنان استقبال هم می‌گردید.

«عده زیادی زن و مرد خارجی و ایرانی روی نیمکتها نشسته بودند و به آهنگ ارگ یکی از پرستاران گوش می‌دادند. وقتی نیمکتها پر شد، ده دوازده دختر و پسر مقابل مستمعین صف بستند و شروع کردند به خواندن سرود مذهبی. سپس مرد سپیدمویی، با لباده تیره کشیشی و عرقچین سفید، پشت تریبون قرار گرفت ... و کتاب قطوری را گشود و چند جمله آن را ... خواند ... پس از پایان موعظه پرده تمام پنجره‌ها را کشیدند و دستگاه عجیبی را به کار انداختند. از روزنه آن اشعه سفیدی بیرون می‌تابید و تصاویری که کشیش درباره آنها توضیحات می‌داد به روی پرده‌ای نمایان می‌ساخت.»^{۹۹}

تعبیه‌ی یک کتابفروشی در محل درب ورودی بیمارستان که در آن انواع عکس‌های حضرت مسیح^(ع) و انجیل و کتابهای تبلیغی دیگر در معرض نمایش و فروش گذاشته شده بود، یکی دیگر از جلوه‌های بارز تکاپوهای تبلیغی میسیون مسیحی در پوشش بیمارستان و ارائه‌ی خدمات پزشکی به شمار می‌آمد.^{۱۰۰} البته مسئله تبلیغ و تبشیر دینی یکی از برنامه‌هایی بود که همواره در نقاط مختلف و در کنار ارائه‌ی خدمات پزشکی مورد توجه میسیون آمریکایی بوده است^{۱۰۱} به عنوان نمونه و به گزارش برخی منابع موجود، پزشکان میسیون آمریکایی در تهران جملاتی از انجیل را بر روی نسخه‌ی درمانی بیماران می‌نوشتند.^{۱۰۲}

تکاپوهای تبلیغی میسیون آمریکایی تنها به مواردی که در بالا ذکر شد خلاصه نمی‌گردید بلکه اهدافی بسیار بزرگ در پس اقدامات به ظاهر خیرخواهانه‌ی میسیون، نهفته بود. اهدافی چون تبلیغ مسیحیت و نیز ترویج ارزش‌های غربی چون آزادی و دموکراسی، البته با تعاریف غربی و آمریکایی آن^{۱۰۳} که به تدریج زمینه‌ی نفوذ هرچه بیشتر آمریکا در ارکان سیاسی و فرهنگی و اجتماعی ایران را مهیا می‌نمود. همچنین از احتمال فعالیت‌های جاسوسی و اطلاعاتی پزشکان بیمارستان آمریکایی نیز نمی‌توان غافل شد. خاصه آن که در همین دوره و

در نتیجه‌ی آزادی نسبی مطبوعات^{۱۰۴}، اتهام جاسوسی از سوی برخی نشریات افراطی و طرفدار طرفدار شوروی به بیمارستان آمریکایی وارد می‌گردید.^{۱۰۵}

به گزارش منابع موجود، پزشک و جراحی حاذق چون دکتر کاکران، سوار بر دوچرخه‌ی خود با طی نمودن جاده خاکی متتهی به قلعه‌ی محراب‌خان، در بین بیماران جذامی آن حضور می‌یافت و به درمان آنان همت می‌گماشت.^{۱۰۶} هم او به اتفاق همسرش شیشه‌ی پنجره‌ها را پاک می‌کردند.^{۱۰۷} اما این همه‌ی ماجرا نبود، زیرا در همین جذامی‌خانه که به ظاهر محل زندگی و درمان افرادی بود که به دلیل عدم آگاهی و جهل مردم، از سوی جامعه مسلمانان طرد شده بودند، اتاق کوچکی تعبیه شده بود که در گوشه‌ای از آن عکس حضرت عیسی^(ع) نصب شده و در آن اتاق مراسم عبادی مسیحیان برگزار می‌شد.^{۱۰۸}

همچنین به گزارش منابع موجود، پزشکان ازجان‌گذشته‌ی بیمارستان، با تحمل سختی‌های فراوان و مراجعه به روستاهای دور افتاده در نقاط محروم خراسان، به درمان بیماران مبادرت می‌ورزیدند.^{۱۰۹} اما این ظاهر مسئله بود زیرا بر اساس اسناد موجود برخی از این سفرها با انگیزه‌های دیگری چون تبلیغ و تبشیر آیین مسیحیت انجام می‌شده است. به عنوان نمونه در یکی از گزارش‌های محرمانه‌ی استانداری نهم (خراسان) به اداره سیاسی وزارت کشور به تاریخ ۱۳۳۴/۱۰/۳۰ چنین آمده است:

«طبق گزارش‌هایی که از شهربانی و ژاندارمری بیرجند و فرمانداری محل و همچنین از ناحیه ژاندارمری خراسان رسیده، آقای دکتر توماس آرتور موری آمریکائی پزشک بیمارستان آمریکایی مشهد طبق معمول سنوات قبل به اتفاق آقای سبحانی، کارمند کلیسای انجیلی در تهران و کشمیری مدیر کتابخانه مربوطه به منظور تبلیغ مذهب مسیح و فروش کتب مربوطه بسراب تخته خان رفته ضمن دیدن از عبدالله عنانی مقیم محل چند قطعه عکس از بعضی اشخاص و کودکان گرفته شب را در منزل عنانی متوقف و فیلم تولد و صلیب حضرت عیسی را نمایش داده اند ...^{۱۱۰}»

بی‌تردید حضور مبلغین مسیحی در روستایی دورافتاده در جنوب خراسان و در بین مردمی که بر اساس گزارش‌های محرمانه‌ی موجود، جزء اقلیت سنی و دارای مذهب حنفی بوده‌اند^{۱۱۱} و بهره‌برداری از شخصی که ظاهراً متهم به اختلال حواس نیز بوده^{۱۱۲}، با هدف تحت تأثیر قراردادن اقلیت سنی ساکن در این نواحی و جذب آنان به همکاری با اهداف میسیون آمریکایی بوده است. به‌ویژه آنکه بر اساس برخی گزارش‌ها، بیمارستان آمریکایی محل رفت و آمد مأمورین سیاسی آمریکایی در دوره‌ی موردنظر می‌باشد.^{۱۱۳}

در این بین پرسش دیگری که مطرح است اینکه، حضور اعضای میسیون آمریکایی در نقاط مختلف ایران و در روستاهای دورافتاده و یا شهرهای بزرگ، به اشکال مختلف اعم از پزشک و روحانی و کتابفروش و سیاح و ... آیا پوششی برای کسب اطلاعات و آگاهی‌های مورد نیاز برای طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌های بعدی آمریکا در ایران نبوده است. برنامه‌هایی که با اهداف سیاسی و به منظور وابستگی هرچه بیشتر ایران به آمریکا تدوین و در اشکال مختلف از جمله اصلاحات ارضی^{۱۱۴} صورت پذیرفت.

فرجام سخن

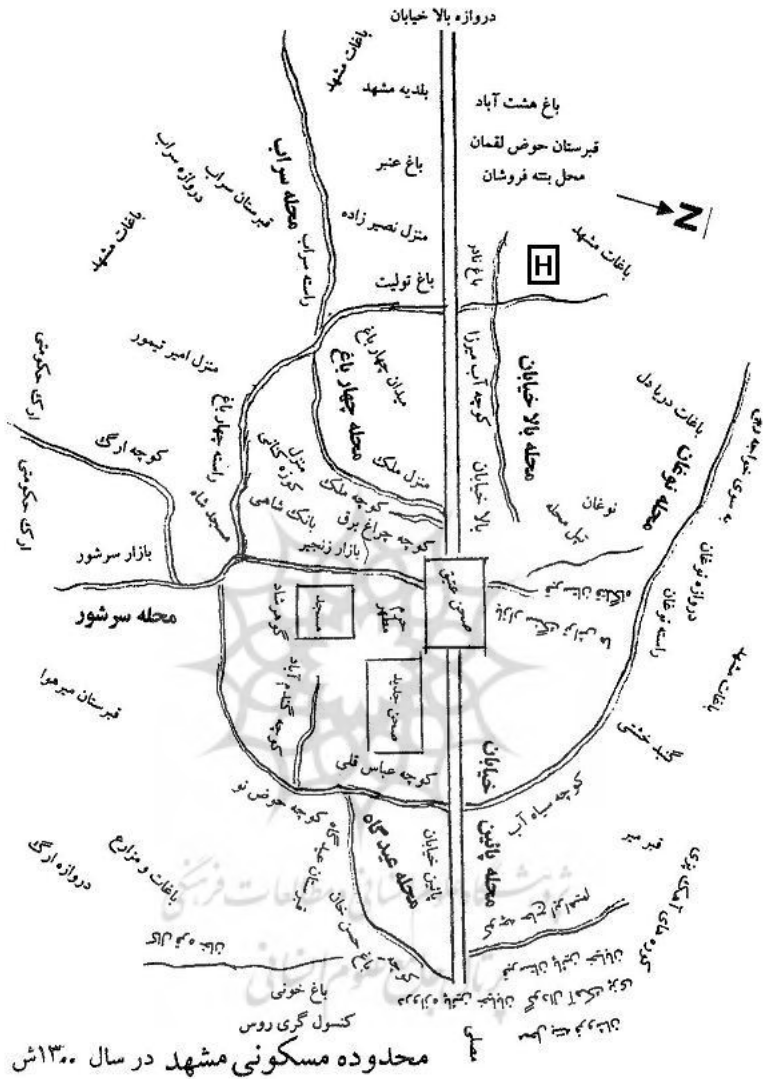
با عنایت به وضعیت نامطلوب بهداشتی و فقدان خدمات پزشکی کافی در جامعه‌ی ایران اواخر دوران قاجار، ارائه‌ی خدمات بهداشتی و پزشکی به عنوان یکی از شیوه‌های بسیار مؤثر در جهت جلب‌نظر مساعد ایرانیان نسبت به تکاپوهای میسیون آمریکایی به ویژه در زمینه‌ی فعالیتهای تبلیغی و تبشیری، همواره مدنظر ایشان قرار داشت و در همین راستا اقدام به تأسیس و تجهیز چندین بیمارستان در برخی از شهرهای بزرگ ایران نمودند.

مشهد نیز به عنوان مهمترین مرکز جمعیتی شمال شرق ایران، از ابتدای حضور آمریکاییان در ایران مورد توجه میسیون آمریکایی قرار داشت. به گونه‌ای که در اواخر قرن سیزدهم خورشیدی / اوایل قرن بیستم میلادی میسیون با اعزام مبلغینی کاردان و مجرب اقدام به تأسیس نمایندگی در آن شهر نمود. در ادامه نیز، نظر به شرایط موجود در مشهد، بیمارستان آمریکایی به عنوان ابزاری در جهت جلب نظر مساعد مردم و نیز پوششی برای اقدامات تبلیغی و تبشیری تأسیس گردید.

این بیمارستان که در ابتدای آغاز به کار، تنها درمانگاهی محقر و کوچک بود به تدریج به عنوان بزرگترین و مدرن‌ترین و مجهزترین مرکز درمانی مشهد مطرح گردید. اگر چه با تأسیس بیمارستان شاهرضا در سال ۱۳۱۳ هـ. خ / ۱۹۳۴ م به رتبه‌ی دوم تنزل یافت. اما این تنزل رتبه به هیچ‌روی موجب کاهش تکاپوهای میسیون در پوشش بیمارستان نگردید. بلکه تا زمان واگذاری امور بیمارستان به وزارت بهداشتی ایران، برنامه‌ریزان میسیون آمریکایی از عرصه‌هایی که بیمارستان برای فعالیت‌های آنان در ابعاد مختلف تبلیغی و تبشیری و یا حتی اطلاعاتی مهیا می‌نمود، استفاده‌ی شایانی بردند که به عنوان نمونه می‌توان از برنامه‌های تبلیغی میسیون در بین اقلیت‌های دینی مشهد و دیگر نواحی خراسان یاد نمود.

در جمع‌بندی کلی از اقدامات صورت گرفته در پوشش ارائه‌ی خدمات پزشکی توسط میسیون آمریکایی اینگونه به نظر می‌رسد که، بسترسازی برای برنامه‌های بلند مدت آمریکا به منظور گسترش دامنه‌ی نفوذ در تمام عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران یکی از اهداف تأسیس بیمارستان آمریکایی در مشهد و سایر نقاط ایران بوده‌است.

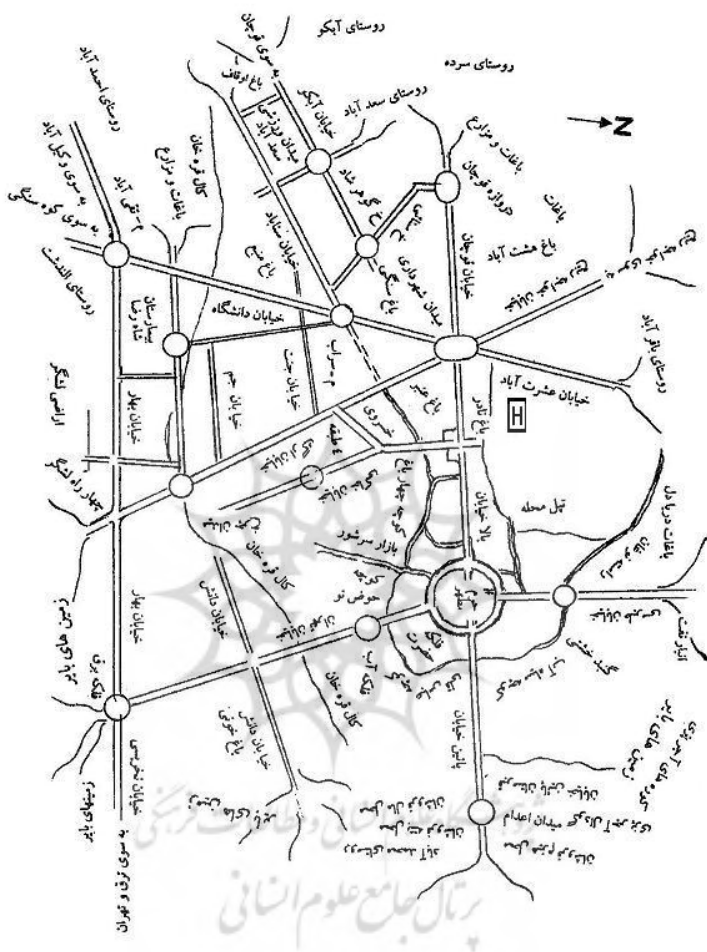
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



محدوده ی مسکونی مشهد در سال ۱۳۰۰ خورشیدی

محل تقریبی بیمارستان و مدرسه ی پرستاری میسیونری آمریکایی با علامت (H) مشخص شده است

مأخذ: ماهوان، احمد، تاریخ مشهد الرضا (ع)، ص ۴۷



محدوده ی مسکونی مشهد در سال ۱۳۲۰ خورشیدی

محل تقریبی بیمارستان و مدرسه ی بر ساری مسیونری آمریکایی یا علامت (H) مشخص شده است

مآخذ: ماهوان، احمد، تاریخ مشهدالرضا (ع)، ص ۴۷۹

یادداشت‌ها:

^۱ دلد. اسکندر: حاجی واشنگتن، چاپ سوم، تهران، گلفام، ۱۳۷۰، صص ۸ - ۷؛ کرزن. جرج. ن: ایران و قضیه ایران، ترجمه غ. وحید ماندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰، جلد ۲، ص ۶۲۳.

^۲ الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ترجمه سهیل آذری، تهران، نور جهان، ۱۳۳۳، ص ۴.

^۳ پالم. رابرت روزول: عصرانقلاب دموکراتیک، ترجمه حسین فرهودی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۶۲۹.

^۴ آدمیت. فریدون: امیرکبیر و ایران، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۸، صص ۵۷۹ - ۵۷۸.
^۵ کرزن. جرج. ن: ایران و قضیه ایران، ترجمه غ. وحید ماندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

۱۳۵۰، ج ۱، صص ۶۹۳ - ۶۸۸.

^۶ همراز. ویدا: «میسیونرها و نخستین گامهای نفوذ آمریکا در ایران»، تاریخ معاصر ایران (مجموعه مقالات)، تهران، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۱۸.

^۷ موجانی. سید علی: بررسی مناسبات ایران و آمریکا (۱۸۵۱ - ۱۹۲۵م)، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، ص ۳۵.

^۸ طاهر احمدی، محمود: «نخستین مدارس میسیونهای آمریکایی در ایران»، مجله گنجینه اسناد، ۱۳۷۲، شماره ۱۲، ص ۲۱.

^۹ بنجامین. ساموئل گرین ویلز: ایران و ایرانیان، ترجمه محمد حسن کرد بچه، تهران، گلبانگ، ۱۳۶۳، ص ۴۲۳.

^{۱۰} همان.

^{۱۱} متولی. عبدالله: «نگاهی به عملکرد موسسات تبلیغی آمریکایی‌ها در ایران»، فصلنامه مطالعات تاریخی، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۴، ش ۹، ص ۱۰۸.

^{۱۲} جلالی مقدم. مسعود: «آسوریان»، دائرة المعارف اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، چاپ چاپ دوم، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۶۹.

^{۱۳} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۲۴.

^{۱۴} اصیلی. سوسن: «فعالیت‌های میسیونری در ایران عهد ناصری» فصلنامه مطالعات تاریخی، دانشگاه فردوسی مشهد، سال چهارم، ۱۳۷۱، ش ۱ و ۲، ص ۱۱۲.

- ^{۱۵} بیل. جیمز، ا: شیر و عقاب (روابط بد فرجام ایران و آمریکا)، ترجمه فروزنده برلیان (جهانشاهی)، تهران، فاخته، ۱۳۷۱ ص ۲۲.
- ^{۱۶} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۲۵.
- ^{۱۷} همان؛ متولی به اشتباه دکتر گرانت را پایه گذار نخستین بیمارستان آمریکایی در ارومیه می‌داند، حال آنکه دکتر گرانت در سال ۱۸۴۴ درگذشت. متولی. عبدالله: «نگاهی به عملکرد موسسات تبلیغی آمریکایی‌ها در ایران»، ص ۱۰۹.
- ^{۱۸} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۲۵؛ رضازاده ملک. رحیم: تاریخ روابط سیاسی ایران و ممالک متحده آمریکا، تهران، طهوری، ۱۳۵۰، ص ۶۱؛ موجانی تأسیس نخستین بیمارستان یا همان وست می‌نس‌تر را به دکتر تورنس (Dr. W. W. Torrence) نسبت می‌دهد که مطلبی نادرست است. موجانی. سید علی: بررسی مناسبات ایران و آمریکا (۱۸۵۱-۱۹۲۵م)، ص ۳۹.
- ^{۱۹} متولی. عبدالله: «نگاهی به عملکرد موسسات تبلیغی آمریکایی‌ها در ایران»، ص ۱۰۹.
- ^{۲۰} موجانی. سید علی: بررسی مناسبات ایران و آمریکا (۱۸۵۱-۱۹۲۵م)، ص ۳۹.
- ^{۲۱} یسلسون. آبراهام: روابط سیاسی ایران و آمریکا، ترجمه محمد باقر آرام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۴۳.
- ^{۲۲} همراز. ویدا: «میسونرها و نخستین گامهای نفوذ آمریکا در ایران»، ص ۲۳.
- ^{۲۳} فوران. جان: مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، چاپ چهارم، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۲، ص ۲۹۶.
- ^{۲۴} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۷۲؛ ماهوان. احمد: تاریخ مشهدالرضا (ع)، مشهد، انتشارات ماهوان، ۱۳۸۳، ص ۴۷۶.
- ^{۲۵} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۷۲.
- ^{۲۶} همراز. ویدا: «میسونرها و نخستین گامهای نفوذ آمریکا در ایران»، ص ۲۴.
- ^{۲۷} عظیم‌زاده طهرانی. طاهره: «نگاهی به تکاپوهای تبلیغی گران آمریکایی در مشهد»، فرهنگ خراسان (فصلنامه پژوهشی)، سال اول، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۸۰، ص ۲۱۵.
- ^{۲۸} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۷۴.
- ^{۲۹} مدرس رضوی. محمد تقی و دیگران: مشهد در آغاز قرن چهارده خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپور، تصحیح و توضیح مهدی سیدی، مشهد، آهنگ قلم، ۱۳۸۶، ص ۱۶۵.
- ^{۳۰} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۸۵.
- ^{۳۱} همان، ص ۷۵.

- ^{۳۲} در خصوص چگونگی اشغال ایران توسط متفقین علی رغم اعلام بیطرفی از سوی ایران بنگرید به؛ دیگر. ژان پیر، هورکاد. برنارد، ریشار. یان: ایران در قرن بیستم، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چاپ دوم، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۸، صص ۶۳ - ۵۱.
- ^{۳۳} فوران. جان: مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی، صص ۲۹۷ - ۲۹۶.
- ^{۳۴} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۷۵.
- ^{۳۵} همان.
- ^{۳۶} مدرس رضوی. محمد تقی و دیگران: مشهد در آغاز قرن چهارده خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپور، ص ۱۶۵.
- ^{۳۷} شاهین فر. محمد: خاطرات پزشکی در مشهد، مشهد، انتشارات سنبله، ۱۳۸۲، ص ۸۱.
- ^{۳۸} همان.
- ^{۳۹} ریاضی. غلامرضا: راهنمای مشهد، مشهد، کتابفروشی زوار، ۱۳۳۴، ص ۵۸.
- ^{۴۰} دومین راپورت شش ماهه صحیح کل راجع به ششماهه آخر سال ۱۳۰۵، بی جا، مطبوعه برادران باقرزاده، ۱۳۰۶، ص ۹۲.
- ^{۴۱} بقیعی. غلامحسین: مزار میرمراد (نمایی از مشهد قدیم)، تهران، انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۷۳، ص ۱۰۳.
- ^{۴۲} مصاحبه نگارنده با آقای اژدر جلیلیان پور دانش تکنسین اتاق عمل بیمارستان آمریکایی مشهد در تاریخ ۱۳/۷/۱۳۸۸ در محل مجموعه فرهنگی - تاریخی نادری.
- ^{۴۳} بقیعی. غلامحسین: مزار میرمراد (نمایی از مشهد قدیم)، ص ۱۰۳.
- ^{۴۴} الموسوی. حسین بن علی اکبر بن حسین الملقب به مغانی: بهشت شرق، مشهد، چاپخانه زوار، ۱۳۴۱، ص ۱۹۶.
- ^{۴۵} بقیعی. غلامحسین: مزار میرمراد (نمایی از مشهد قدیم)، ص ۱۰۳.
- ^{۴۶} ماهوان. احمد: تاریخ مشهدالرضا (ع)، ص ۴۷۶.
- ^{۴۷} مصاحبه با محمد شاهین فر، آرشیو تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۶/۸/۱۳۸۴، پرونده ۲۰۲، ص ۵۹؛ اژدر جلیلیان پوردانش که از کارمندان بیمارستان آمریکایی بوده است مساحت این باغ را حدود پنج یا شش هکتار (۵۰ یا ۶۰ هزار متر مربع) بیان می‌کند. مصاحبه نگارنده با آقای اژدر جلیلیان پور دانش، در تاریخ ۱۳/۷/۱۳۸۸؛ اما با عنایت به اینکه گزارش‌های دکتر شاهین فر در سایر موارد دقیق‌تر است قول وی ارجح می‌باشد به ویژه آنکه

حدودی که توسط آقای احمدعلی منتظری دبیربازنشسته آموزش و پرورش و از معلمین مدرسه نمونه هروی (آمریکایی) ترسیم می‌شود با نظر شاهین فر بیشتر منطبق می‌باشد مصاحبه نگارنده با آقای احمدعلی منتظری دبیربازنشسته آموزش و پرورش و از معلمین مدرسه نمونه هروی (آمریکایی) در تاریخ ۱۳/۸/۱۳۸۸ در محل مرکز تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

^{۴۸} بقیعی. غلامحسین: مزار می‌رمزاد (نمایی از مشهد قدیم)، ص ۱۰۴.

^{۴۹} همان.

^{۵۰} مصاحبه با ایران برار ثانی، آرشیو تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۲۲/۳/ ۱۳۸۵، پرونده ۱/۳۸، ص ۲۵.

^{۵۱} بقیعی. غلامحسین: مزار میرمراد (نمایی از مشهد قدیم)، ص ۱۰۴.

^{۵۲} مصاحبه با مهدی بیانی، آرشیو تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۹/۲/ ۱۳۸۴، پرونده ۱/۳۲، ص ۷؛ مصاحبه با محمدتقی رادپور، آرشیو تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۲۶/۱۲/ ۱۳۸۰، پرونده ۱۳۷، ص ۱۵.

^{۵۳} مصاحبه نگارنده با آقای اژدر جلیلیان پور دانش، در تاریخ ۱۳/۷/۱۳۸۸.

^{۵۴} آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۳۰۴۶، ص ۱.

^{۵۵} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۸۶ - ۸۵.

^{۵۶} بقیعی. غلامحسین: مزار میرمراد (نمایی از مشهد قدیم)، ص ۱۰۵.

^{۵۷} تاج‌پور. محمد علی: تاریخ دو اقلیت مذهبی یهود و مسیحیت در ایران، تهران، موسسه مطبوعاتی فراهانی، ۱۳۴۴، ص ۲۸۸.

^{۵۸} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۸۳.

^{۵۹} مصاحبه با ایران برار ثانی، آرشیو تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۲۰/۱/ ۱۳۸۵، پرونده ۱/۳۸، صص ۲ - ۱.

^{۶۰} شاهین فر. محمد: خاطرات پزشکی در مشهد، ص ۸۴ - ۸۳.

^{۶۱} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۸۴.

^{۶۲} مدرس رضوی. محمد تقی و دیگران: مشهد در آغاز قرن چهارده خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپور، ص ۱۶۵.

^{۶۳} مصاحبه با حسین شاه وردیانی، آرشیو تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۴/۸/ ۱۳۸۴، پرونده ۱/۱۹۶، ص ۲۹.

- ^{۶۴} مصاحبه نگارنده با آقای اژدر جلیلیان پور دانش، در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱۳.
- ^{۶۵} همان.
- ^{۶۶} مدرس رضوی. محمد تقی و دیگران: مشهد در آغاز قرن چهارده خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپور، ص ۱۶۵.
- ^{۶۷} الموسوی. حسین بن علی اکبر بن حسین الملقب به مغانی: بهشت شرق، ص ۱۹۶.
- ^{۶۸} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۸۳.
- ^{۶۹} شاهین فر. محمد: خاطرات پزشکی در مشهد، ص ۸۲؛ اگرچه همواره یکی از پزشکان میسیون آمریکایی سمت ریاست بیمارستان را بر عهده داشت اما به گزارش برارثانی اداره امور بیمارستان به شیوه شورایی انجام می گرفت. در این خصوص بنگرید به: مصاحبه با ایران برار ثانی، ۱۳۸۵/ ۲۲/۳، ص ۳۶.
- ^{۷۰} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۸۳.
- ^{۷۱} مصاحبه با محمدشاهین فر، ۱۳۸۴/۸/۱۶، ص ۶۰.
- ^{۷۲} روزنامه شادی، ۱۳۲۹/۶/۲۵، ص ۳.
- ^{۷۳} مصاحبه با ایران برار ثانی، ۱۳۸۵/ ۲۲/۳، ص ۴۲.
- ^{۷۴} همان، ص ۳۲.
- ^{۷۵} همان، ص ۳۷.
- ^{۷۶} شاهین فر. محمد: خاطرات پزشکی در مشهد، ص ۸۲.
- ^{۷۷} مصاحبه با ایران برار ثانی، ۱۳۸۵/ ۲۰/۱، ص ۲.
- ^{۷۸} مصاحبه با ایران برار ثانی، ۱۳۸۵/ ۲۲/۳، ص ۴۰.
- ^{۷۹} مصاحبه نگارنده با آقای دکتر مهدی فضلی نژاد مدیر عامل بهداری خراسان در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۶ در محل مطب ایشان.
- ^{۸۰} نویسنده نامعلوم (خبرنگار شهری): «ساعتی با دانشجویان آموزشگاه عالی پرستاری جرجانی»، مجله تربیت نوین، شماره ۶، سال ۱۳۳۹، ص ۵۰؛ در برخی منابع سال تأسیس آموزشگاه عالی پرستاری جرجانی ۱۳۳۳ هـ خ/ ۱۹۵۴م ذکر شده است که صحیح به نظر نمی رسد. در این خصوص بنگرید به: پیشرفتهای بهداشتی و درمانی خراسان، اداره کل بهداری خراسان، مشهد، ۱۳۵۰، ص ۶۱.
- ^{۸۱} مصاحبه با ایران برار ثانی، ۱۳۸۵/ ۲۰/۱، صص ۷-۶.
- ^{۸۲} مدرس رضوی. محمد تقی و دیگران: مشهد در آغاز قرن چهارده خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپور، ص ۱۶۵.

- ^{۸۳} شاهین فر. محمد: خاطرات پزشکی در مشهد، صص ۱۱۶ - ۱۱۵.
- ^{۸۴} مصاحبه با محمدتقی رادپور، ۲۶/۱۲/۱۳۸۰، ص ۱۵.
- ^{۸۵} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، صص ۸۷ - ۸۶.
- ^{۸۶} مصاحبه با محمدتقی رادپور، ۲۶/۱۲/۱۳۸۰، ص ۱۵.
- ^{۸۷} الدر. جان: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۸۷.
- ^{۸۸} آرشیو اسناد سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۵۸/۸۸۷۹۳.
- ^{۸۹} روزنامه آفتاب شرق، سال ۳۹، ۲۷/۳/۱۳۴۲، ص ۴؛ همچنین بنگرید به: نامه فرهنگ (ماهنامه ادبی، علمی، تاریخی، اجتماعی)، سال اول، شهریور ۱۳۳۱، ص ۲۸۷.
- ^{۹۰} نویسنده نامعلوم: «تاریخچه بیمارستان امام رضا (ع) مشهد»، نوید، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۷۶، ص ۴۸.
- ^{۹۱} روزنامه سنگر خاور، ۳/۳/۱۳۲۹، ص ۴.
- ^{۹۲} همان؛ الموسوی. حسین بن علی اکبر بن حسین الملقب به مغانی: بهشت شرق، ص ۱۹۳.
- ^{۹۳} مصاحبه با ایران برار ثانی، ۲۲/۳/۱۳۸۵، ص ۳۴؛ همچنین بنگرید به: مصاحبه با باقر بهپور، آرشیو تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۴/۵/۱۳۸۰، پرونده ۲۶، ص ۹.
- ^{۹۴} شاهین فر. محمد: خاطرات پزشکی در مشهد، ص ۸۲.
- ^{۹۵} جلالی. غلامرضا: مشهد در بامداد نهضت امام خمینی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۲۶ - ۲۷.
- ^{۹۶} الموسوی. حسین بن علی اکبر بن حسین الملقب به مغانی: بهشت شرق، ص ۱۹۶.
- ^{۹۷} بقیعی. غلامحسین: مزار می‌رمزاد (نمایی از مشهد قدیم)، ص ۱۰۶.
- ^{۹۸} مصاحبه نگارنده با آقای اژدر جلیلیان‌پور دانش، در تاریخ ۱۳/۷/۱۳۸۸.
- ^{۹۹} بقیعی. غلامحسین: مزار میرمرداد (نمایی از مشهد قدیم)، ص ۱۰۷.
- ^{۱۰۰} همان، ص ۱۰۴.
- ^{۱۰۱} مصاحبه با باقر بهپور، ۴/۵/۱۳۸۰، ص ۹.
- ^{۱۰۲} موجانی. سید علی: بررسی مناسبات ایران و آمریکا (۱۸۵۱ - ۱۹۲۵م)، ص ۴۰.
- ^{۱۰۳} روزنامه آتش شرق، ۲/۱۲/۱۳۳۱، ص ۲.

- ^{۱۰۴} الهی. حسین؛ روزنامه و روزنامه نگاری در خراسان از شهریور ۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۳۸۰ ص ۶۷.
- ^{۱۰۵} روزنامه آتش شرق، ۲/۱۲/۱۳۳۱، ص ۲.
- ^{۱۰۶} شاهین فر. محمد: خاطرات پزشکی در مشهد، ص ۱۱۶.
- ^{۱۰۷} مصاحبه با محمدتقی رادپور، ۲۶/۱۲/۱۳۸۰، ص ۱۵.
- ^{۱۰۸} همان.
- ^{۱۰۹} مصاحبه با ایران برار ثانی، ۲۲/۳/۱۳۸۵، ص ۴۴.
- ^{۱۱۰} آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۰۳۰۴۶ ص ۱.
- ^{۱۱۱} آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۰۳۰۴۶ ص ۹.
- ^{۱۱۲} آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۰۳۰۴۶ ص ۵.
- ^{۱۱۳} روزنامه آتش شرق، ۱۰/۹/۱۳۳۱، ص ۲. اگرچه روزنامه‌آتش شرق دارای تمایلات افراطی در حمایت از دولت شوروی بوده است و به گزارش‌هایی از این دست که توسط این روزنامه منتشر می‌شود باید با دیده تردید نگریست، اما در این مورد خاص با توجه به مسائلی که بعدها در روابط بین ایران و آمریکا رخ داده است از جمله تکاپوهای سفارت آمریکا (لانه جاسوسی) در ایران، چندان دور از ذهن به نظر نمی‌رسد.
- ^{۱۱۴} متولی حقیقی. یوسف: «دولت امینی و اصلاحات پیشنهادی آمریکا»، پژوهش نامه تاریخ، سال سوم، شماره ۹، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۴۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی